

بررسی رابطه بین معنای تحصیلی و انگیزش درونی و بیرونی با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان

مهدیه خسروی چهکنکد^۱، فائزه دلیری نیا^۲

^۱ کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی، دانشگاه بیرجند (نویسنده مسئول)

^۲ کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی، دانشگاه بیرجند

چکیده

انگیزه به فرآیندهایی مانند نیاز، شناخت، هیجان، و رویدادهای بیرونی گفته میشود که به رفتار، نیرو و جهت می دهند و رفتار را در جهت یک هدف فعال می سازند. به طور کلی انگیزه به دو دسته درونی و بیرونی تقسیم میشود. انگیزه درونی، میل و اشتیاق برای انجام کاری حتی بدون پاداش و تشویق بیرونی است که برای فرد، بسیار ارزشمند یا لذتبخش است. اما انگیزه بیرونی تمایل به انجام کاری با پاداش و یا نتیجه خاصی است. پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین معنای تحصیلی و انگیزش درونی و بیرونی با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان و به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که انگیزش پیشرفت تحصیلی به عنوان یکی از انگیزه های پیشرفت، نیرویی درونی است که یادگیرنده را به ارزیابی همه جانبه عملکرد خود با توجه به عالی ترین معیارها، تلاش برای موفقیت در عملکرد و برخورداری از لذتی که با موفقیت در عملکرد همراه است، سوق می دهد.

واژه های کلیدی: انگیزه بیرونی، انگیزه درونی، دانش آموزان، پیشرفت تحصیلی

مقدمه

دانش آموزان از مهم ترین سرمایه های فکری و معنوی هر کشوری به شمار می آیند و بدون شک بررسی مسائل و مشکلات موجود در راستای تامین سلامت جسمی و روانی ایشان از اهمیت ویژه ای برخوردار است . دانش آموزان در دوران تحصیلی با عوامل متعددی روبه رو هستند که می تواند سطح تلاش آن ها را تحت تاثیر خود قرار داده و پیشرفت و عملکرد دانش آموزان را با فراز و فرود مواجه سازد . [۱]

تربیت نیروی انسانی متخصص و متعهد آرمان هر نظام آموزشی است. ارتقاء رشد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی هر جامعه منوط به وجود نظام آموزشی اثربخش و کارآمد است . انجام فعالیت های تربیتی در مدارس برای ایجاد انگیزه و محرک های ضروری در جهت تکامل طبیعی و سالم دانش آموزان است . فعال شدن دانش آموزان در نظریه ها و دیدگاه های نوین تعلیم و تربیت از اهمیت زیادی برخوردار بوده و عملکرد تحصیلی آنان در تمامی دوره های تحصیلی همواره مورد توجه بوده است . از این رو همه نظام های آموزشی در جهت افزایش سطح عملکرد تحصیلی آنها تلاش های مؤثری دارند .

یکی از اصلی ترین اهداف نظام های آموزشی ، بهبود عملکرد تحصیلی دانش آموزان است . به عبارت دیگر ، نظام آموزشی را زمانی می توان کارآمد دانست که عملکرد تحصیلی آن در دوره های مختلف و درس های مختلف دارای بالاترین و بیشترین رقم باشد . عملکرد تحصیلی بیانگر این موضوع است که یادگیرنده ، معلم و همچنین نهادهای آموزشی تا چه حد به اهداف خود دست یافته اند . [۲] اهمیت پیشرفت تحصیلی از آن جهت است که بکارگیری افراد سالم و کسانی که تحصیلات خود را در سیستم آموزشی با موفقیت گذرانده اند ، موجب پیشرفت فرد ، خانواده و یک جامعه خواهند شد .

در همین راستا ، لازمه پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان ، داشتن توجه خاص به عوامل مؤثر بر آن است . از آنجا که پیشرفت تحصیلی یک عنصر چند بعدی است و با رشد جسمی،شناختی ، اجتماعی و عاطفی دانش آموزان مرتبط است ، لذا تحقیق و بررسی بر روی عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی مسئله پیچیده ای است . [۳] عوامل فراوان و متعددی بر موفقیت تحصیلی تاثیرگذار هستند که از عوامل فردی چون انگیزش تحصیلی و سازه های مربوط به خود گرفته تا عوامل محیطی چون کارکرد خانواده و عوامل مرتبط با مدرسه را شامل میشود . [۴]

در میان عوامل مختلف مؤثر بر یادگیری و پیشرفت تحصیلی ، انگیزش نقش مهمی را ایفا میکند . درواقع، انگیزش، موتور محرک تلاش و فعالیت برای یادگیری است و میزان یادگیری دانش آموزان را به حداکثر می رساند [۵] انگیزش به نیروی ایجاد کننده، نگهدارنده و هدایت کننده رفتار گفته میشود. از لحاظ پرورشی انگیزش هم هدف و هم وسیله است . در نظریه های آموزشی، انگیزه یک مفهوم اساسی به شمار میرود که به صورت تعبیرهای مختلفی از جمله انگیزش دانش آموز، انگیزش یادگیری یا انگیزش تحصیلی به کار رفته است . انگیزش تحصیلی به عنوان یکی از هدفهای اساسی آموزش و پرورش به شمار میرود. انگیزش تحصیلی وسیله ای برای کمک به یادگیری دروس گوناگون، امکانی برای یادگیری مادام العمر و به دست آوردن ، مهارتهای مورد نیاز حرفه ای و عمومی است. انگیزش تحصیلی به تمایلات، نیازها و عواملی گفته میشود که باعث حضور یافتن یک فرد در محیطهای تحصیلی و به دست آوردن مدرک تحصیلی می شود . بر مبنای نظریه خود تعیین کنندگی دسی و رایان (۱۹۸۵) یادگیرندگان به لحاظ جهت گیریهای انگیزشی در سه طبقه قرار میگیرند : دارای انگیزش بیرونی ، دارای انگیزش درونی ، و افراد بدون انگیزه .

انگیزه بیرونی فرد را به کارهایی بر می انگیزد که نتایج آن برایش سودمند و خوشایند است و یا فرد را از رویدادهای ناخوشایند می رهند اما انگیزه درونی بر خلاف انگیزه بیرونی، به هیچ نوع نتیجه و یا پاداش وابسته نیست و زمانی به وقوع می پیوندد که شخص به خاطر خود فعالیت و بدن توجه به مشوق خارجی یا نتیجه حاصل از کار تلاش می کند.

نتایج پژوهش ها نشان می دهد اگر انگیزه درونی با پاداش های بیرونی تقویت شود، تأثیرش را از دست می دهد و کم رنگ تر خواهد شد. از این پدیده با نام «اثر بیش توجهی» نام می برند. باور بر این است افراد زمانی که انگیزه درونی دارند، خلاقیت بیشتری به خرج می دهند.

از جمله عناصر با اهمیت یاددهی و یادگیری اثربخش، انگیزه بوده که با این حال اندازه گیری آن نیز دشوار است. به عبارت دیگر، آنچه که منجر به پیشروی فرد شده و در حالت پیشروی نگه می دارد همین انگیزه است. در تعلیم و تربیت، بحث انگیزه عمدتاً به نکات زیر توجه دارد:

- آماده ساختن دانش آموز برای یادگیری
- فعال نگه داشتن دانش آموز در طول یادگیری
- توجه و دقت برای تمرکز بیشتر

وجود یا عدم وجود انگیزه در دانش آموزان، بر تمامی مسائل مربوط به تحصیل آن ها تأثیر مستقیم می گذارد. نحوه برقراری ارتباط با معلم و همکلاسی ها، میزان زمان و تلاشی که به مطالعه و یادگیری دروس اختصاص می دهند، عملکرد آن ها در امتحانات و آزمون های مختلف و بسیاری موارد دیگر، کاملاً تحت تأثیر میزان انگیزه و علاقه دانش آموز به تحصیل و یادگیری است. علاوه بر این، دانش آموزان بی انگیزه می توانند به راحتی سایر همکلاسی ها را تحت تأثیر قرار داده و آن ها را نیز نسبت به تحصیل و یادگیری ناامید کنند. در صورت علاقه مندی نسبت به تحصیل علم و درس خواندن، دانش آموز در انجام تکالیف خود دقت کرده و به توضیحات معلم خود در کلاس توجه لازم را می نماید و از طرفی به دنبال دستیابی به اطلاعات بیشتر در زمینه مواد درسی نیز خواهد بود.

انگیزه تحصیلی به عنوان یکی از هدفهای اساسی در آموزش و پرورش به شمار میرود. انگیزه تحصیلی وسیله ای برای کمک به یادگیری دروس گوناگون، امکانی برای یادگیری مادام العمر و به دست آوردن، مهارت های مورد نیاز حرفه ای و عمومی است. انگیزه تحصیلی به تمایلات، نیازها و عواملی گفته میشود که باعث حضور یافتن یک فرد در محیط های تحصیلی و به دست آوردن مدرک تحصیلی می شود. غالب رفتارهایی که انگیزه تحصیلی را نشان میدهند عبارتند از پافشاری بر انجام تکالیف دشوار، سخت کوشی یا کوشش در جهت یادگیری در حد تسلط و انتخاب تکالیفی که به تلاش نیاز دارد.

پیشینه تحقیق

در این گفتار به اختصار به بیان مطالعات و تحقیق هایی که در این زمینه انجام گرفته است، می پردازیم:

حسن زاده و مهدی نژاد گر جی (۱۳۹۳) به بررسی رابطه بین جهت گیری های انگیزشی (درونی، بیرونی، و بی انگیزشی) و پیشرفت تحصیلی ۳۵۴ دانش آموز دختر مقابع متوسطه اول، دوم و سوم در شهرستان بابل در درس زبان انگلیسی پرداختند. پژوهش آنها به شیوه توصیفی- همبستگی انجام شده است. ابزار گردآوری داده ها، مقیاس جهت گیریهای انگیزشی زبان نولز و همکاران (۲۰۰۰) بود و نتایج نشان داد که بین انگیزش درونی و مؤلفه های آن و همچنین پیشرفت تحصیلی دانش آموزان در درس زبان انگلیسی رابطه مثبت معناداری وجود دارد و بین انگیزش بیرونی و مؤلفه هایش و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان در درس زبان انگلیسی رابطه مثبت بسیار ضعیفی وجود دارد. از دیگر یافته های این پژوهش آن بود که بین جهت گیری بی انگیزشی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان در درس زبان انگلیسی رابطه منفی و معنادار وجود دارد. همچنین آنها به این نکته اشاره کرده اند که انگیزش درونی بیشترین سهم را در پیش بینی پیشرفت تحصیلی دانش آموزان در درس زبان انگلیسی ایفا میکند.

یافته های پژوهش جوادی و فاریابی (۱۳۹۵) در بررسی رابطه ابعاد انگیزش با عملکرد تحصیلی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بیرجند نشان داد که مؤلفه های انگیزش درونی و بیرونی با عملکرد تحصیلی رابطه معناداری ندارد اما مؤلفه بی انگیزگی با عملکرد تحصیلی رابطه معنی داری دارد. لذا شناسایی ابعاد و نقش عوامل انگیزشی در عملکرد تحصیلی دانشجویان به منظور انجام مداخلات آموزشی و برگزاری کارگاههای آموزشی، به ویژه برای دانشجویان شاغل به تحصیل در حوزه سلامت ضروری میباشد.

صدیقی فر و خالقی زاده (۱۳۹۵) در پژوهش خود به بررسی جهت گیریهای انگیزشی و پیشرفت تحصیلی فارسی آموزان عربی زبان پرداخته اند و نشان دادند «در یادگیری فارسی به عنوان زبان دوم، بین انگیزش درونی و مؤلفه های آن با پیشرفت تحصیلی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین، بین بی انگیزشی و پیشرفت تحصیلی، رابطه منفی و معنادار وجود دارد، اما بین انگیزش بیرونی و پیشرفت تحصیلی رابطه معناداری مشاهده نشد. علاوه بر این، نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره نشان داد که عامل انگیزش درونی بیشترین سهم را در پیش بینی پیشرفت تحصیلی فارسی آموزان عربی زبان غیرایرانی دارد. نتایج پژوهش حاضر گویای اهمیت و تأکید بر افزایش انگیزش درونی فارسی آموزان در کلاسهای درس و نیز در منابع آموزشی می باشد که این به نوبه خود پیشرفت تحصیلی فارسی آموزان را نیز به همراه خواهد داشت.»

نتایج پژوهش شعبانی (۱۴۰۱) پیرامون بررسی رابطه انگیزش تحصیلی با پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان پسر پایه سوم ابتدایی شهر ساوه نشان داد «بین "پیشرفت تحصیلی" با متغیرهای "انگیزش بیرونی"، "انگیزش درونی" و "انگیزش تحصیلی" رابطه معناداری وجود دارد گرچه میزان همبستگی انگیزش بیرونی با پیشرفت تحصیلی کمتر از سایرین محاسبه شد؛ همچنین نتایج تحلیل واریانس مربوط به مدل رگرسیون نشان داد که اثرات ترکیبی و خطی متغیرهای مستقل بر متغیر "پیشرفت تحصیلی"، از لحاظ آماری معنادار است.»

روش تحقیق

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین معنای تحصیلی و انگیزش درونی و بیرونی با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان به شیوه توصیفی و از نوع تحلیل محتوا انجام شده است و با توجه به روش پژوهش، جامعه آماری پژوهش شامل کلیه اسناد، مدارک و منابع مرتبط با موضوع مورد بررسی می باشد.

یافته های تحقیق

انگیزش، یک مفهوم وسیع است. این مفهوم چندین واژه دیگر را که توصیف کننده عوامل مؤثر در انرژی و هدایت رفتار ما است نظیر: نیازها، علایق، ارزش ها، گرایش ها، اشتیاق ها و مشوق ها را دربرمی گیرد. «انگیزش» اسم مصدر از «انگیزیدن» بوده و در لغت به معنای «تحریک»، «ترغیب»، «تحریض» و «هیجان» آمده است. اصطلاح انگیزش (انگیزه) از فعل لاتین (Movere) به معنی حرکت دادن مشتق شده است. مفهوم کلی جنبش و تحرک منعکس کننده این تصور عام است که انگیزش چیزی است که ما را به جنبش و تحرک وادار، و کمک میکند تا تکالیف خود را کامل کنیم. همچنین انگیزش را فرایندی که طی آن فعالیت هدف محور برانگیخته و حفظ میشود نیز تعریف کرده اند.

انواع انگیزش

وقتی نظریه پردازان درباره انواع مختلف انگیزش صحبت می کنند، در واقع میان رفتار مشاهده شده و دلایل فرضی یا انگیزه هایی که زیربنای رفتار هستند، پیوندهایی را برقرار می سازند، اما برخی از مهم ترین انواع انگیزش به نظر روان شناسان به قرار زیر است: [۶]

۱. فیزیولوژیکی – روان شناختی:

در اساسی ترین یا پایه ای ترین سطح، ما می توانیم درباره نیازهای جسمی یا فیزیولوژیکی صحبت کنیم. نیازهای فیزیولوژیکی شامل غذا، آب، پوشاک و نیازهای جنسی است و نیازهای روان شناختی با فعالیت های ذهنی و اجتماعی ارتباط دارند که برای برآورده شدن هر یک از نیازهای مطرح شده، یک انگیزش مفروض وجود دارد.

۲. صلاحیت:

وایت، مشاهده کرد که کودکان در حال رشد، محیط خود را فعالانه کشف می کنند. وایت، احساس می کرد که این رفتار اکتشافی ذاتی، نتیجه نیاز فرد به تأثیرگذاری بر محیطش است. این نیاز، به آنچه وایت، آن را انگیزش کارآیی، انگیزش صلاحیت یا انگیزش تسلط نامیده، ارتباط دارد.

۳. پیوندجویی یا تعلق:

یکی دیگر از انگیزش های روان شناختی مهم، تمایل فرد به ایجاد وابستگی ها یا نیاز به پیوندجویی یا تعامل با دیگران است

اصول عمومی انگیزش

اصول عمومی انگیزش که در هر موفقیت، یادگیری قابل اجرا می باشد شامل موارد ذیل است: [۷]

۱. محیط

می توان از محیط بعنوان کانون توجه دانش آموزان بر روی آنچه نیاز یادگیری است استفاده نمود؛ معلمینی که جو مرتب، منظم و عملی قابل قبول و گرمی را خلق می کنند می توانند موجب ارتقاء تلاش مداوم و نگرشهای مساعد برای یادگیری شوند.

۲. تشویق

مشوق های برانگیزاننده یادگیری؛ مشوقها شامل مزایای ویژه و در بافت تحسین و ستایش از آموزش دهنده است. مربی مشوقی را تعیین می کند که احتمالا در یک مرحله زمانی ویژه بطور اختصاصی برانگیزاننده است. در موقعیت های عمومی یادگیری، خودانگیزی بدون وجود پاداش موفق نخواهد بود. دانش آموزان در یادگیری باید احساس رضایت و خرسندی پیدا کنند. براساس درک اهدافی که برای آنها مفید است و بطور عادی کمتر اتفاق می افتد که آنها بطور خالص از کشف چیزهای جدید لذت ببرند. نظریه های انگیزش و کاربرد آن ها در نحوه یادگیری دانش آموزان

۳. انگیزش درونی

انگیزش داخلی دوام و پایداری و خودهدایت گری بیشتری نسبت به انگیزش بیرونی دارند که باید مکررا توسط ستایش و تشویق های عینی تقویت شوند؛ بعضی از بچه ها بطور اختصاصی و منحصر به فرد در گروه های سنی معینی و بعضی از بزرگسالان استعداد و توانایی کمی برای انگیزش درونی دارند و باید هدایت و بطور دائمی تقویت شوند. اساس استفاده از مشوقها بر این اصل است که یادگیری موثرتری رخ می دهد. زمانی که دانش آموز احساس خرسندی و رضایت را تجربه می کند باید در استفاده از پاداشهای بیرونی احتیاط شود. زمانی که آنها اصلا مورد نیاز نمی باشد استفاده از آنها ممکن است موجب کاهش انگیزش درونی شود.

۴. آمادگی

یادگیری زمانی که یادگیرنده آماده یادگیری است موثرتر است و این زمانی است که او می خواهد چیزی را بشناسد؛ در برخی مواقع دانش آموزان آمادگی بیشتری برای یادگیری دارند و مربی باید این زمانها را توسعه دهد. اگر یک تغییر مطلوب رفتاری نیاز فوری و مبرم است، مربی میبایست بطور مستقیم این را هدایت کند تا مطمئن شود رفتار مطلوب رخ می دهد. اگر یک دانش آموز آماده یادگیری نباشد، ممکن نیست دستورالعمل ها را دنبال کند. بنابراین باید هدایت شود و آموزشها بطور مکرر تکرار شود.

۵. سازماندهی

انگیزش بوسیله سازماندهی مواد آموزشی ارتقا می یابد؛ بطور کلی، بهترین سازماندهی مواد آموزشی، اطلاعات معناداری را بطور انحصاری فراهم می کند. یک روش سازماندهی شامل برقراری ارتباط بین وظایف جدید با دانستنی های قبل است. راه دیگر تقویت کردن بیانی از طریق مقایسه و تقابل افکار است که تعیین می کند که آیا افراد آنچه به آنها آموزش داده شده را درک کرده اند یا خیر.

نظریه های انگیزش

انگیزش به مانند یادگیری مستقیماً قابل مشاهده نیست. یک متغیر فرضی است که روانشناسان آن را از راه مشاهده رفتار ارگانیسم استنباط می کنند. در این جا تعدادی از این نظریه های انگیزش در ارتباط با یادگیری مطرح می شود.

۱. نظریه انگیزشی مازلو

آبراهام مازلو طراح یک نظریه انگیزشی است که تاثیر مهمی در آموزش و پرورش آمریکا داشته است. نظریه او مبتنی بر این مفهوم است که ارضای نیازها زیربنای رشد است. از نظر مازلو مهمترین خصوصیت انگیزشی تنها اصل کلی که علایق متنوع انسان را به یکدیگر پیوند می دهد، گرایش به نیاز جدید و بالاتر است که با ارضای نیازهای پایین تر ظهور می کند و انگیزه افراد مستقیماً برخاسته از نیازهای آنهاست و لذا انسان در رفتار خویش به ارضای نیازهایش گرایش دارد.

۲. نظریه انگیزش پیشرفت

یکی دیگر از نظریه هایی که به تفاوت انگیزه دانش آموزان برای پیشرفت تحصیلی توجه می کند نظریه انگیزش پیشرفت نامیده می شود. این نظریه بر نقش هدف در موفقیت و شکست دانش آموزان تاکید دارد. پژوهشهای پژوهشگران بر مبنای این نظریه حاکی از آن است که افراد از لحاظ نیاز به پیشرفت با هم تفاوت دارند. بعضی افراد دارای انگیزه سطح بالایی هستند و در رقابت با دیگران و در کارهای خود برای کسب موفقیت می کوشند. دیگران انگیزه چندانی برای پیشرفت و موفقیت ندارند و از ترس شکست آماده خطر کردن برای کسب موفقیت نیستند.

در سال ۱۹۶۱، مک کللند و همکارانش کتاب مهمی را با عنوان انگیزه پیشرفت منتشر ساختند و در آن اظهار کردند که بعضی افراد بیش از دیگران بلندپروازند و برای کسب موفقیت در زندگی می کوشند و برای تعیین میزان انگیزه پیشرفت مقیاس معروف به آزمون موضوعی را تدوین کردند. براساس پژوهشهای انجام شده نشان دادند که افراد دارای انگیزه پیشرفت زیاد در انجام کارها و از جمله یادگیری برا فردادی که از این انگیزه بی بهره اند، پیشی می گیرند. در واقع این افراد همواره تمایل دارند تکالیف خود را به شیوه بهتری انجام دهند و از انجام کارهایی که جنبه شانس دارد متنفرند. همچنین رغبتی به انجام کارهای ساده که نیاز به توانایی خاصی ندارد نشان نمی دهند و غالباً کارهایی را قبول می کنند که احتمال پیروزی و شکست پنجاه پنجاه است. تا تواناییهای خود را بیازمایند و با کسب پیروزی احساس رضایت می کنند.

اتکینسون معتقد بود انگیزش برای دستیابی به موفقیت تحت تاثیر احتمال موفقیت و جذابیت آن قرار دارد. میزان انگیزش فرد برای انجام تکلیفی (تلاشی) به این موضوع بستگی دارد که در باور او احتمال موفقیت انجام آن تکلیف تا چه اندازه است و اگر به هدف نائل شود آیا پاداش آن مناسب و جذاب است یا خیر. بنابراین می توان با در نظر گرفتن اهداف تکلیف براساس تواناییهای فردی دانش آموزان احساس موفقیت و تلاش را در آن ها ایجاد نمود.

۳. نظریه اسناد

یکی از نظریه های جدید انگیزشی که از نظریه های شناختی روانشناسی انگیزش است نظریه اسناد یا نسبت دادن است. واینر (۱۹۵۸)، نظریه اسناد را مطرح ساخت که به بررسی چگونگی تفسیر فرد از علل موفقیت ها و شکست هایش می پردازد. بر اساس این نظریه، باور ما از پیروزی ها و شکست های خود، انتظار پیروزی ها و ناکامی های آتی، منجر به تعیین انگیزه ما در انجام دادن فعالیت هایی است که احتمال شکست یا موفقیت دارند.

۴. نظریه برانگیختگی

اصطلاح برانگیختگی به حالت تهییج، توجه یا گوش به زنگ بودن اشاره می کند. برانگیختگی از معدود متغیرهای انگیزشی است که برای آن شاخص های قابل مشاهده و قابل اندازه گیری فیزیولوژیکی وجود دارد. منابع اولیه برانگیختگی گیرنده های دور هستند، مانند اندام های شنوایی و بینایی، اما منابع دیگر تحریک از جمله فعالیت مغز نیز می تواند منجر به برانگیختگی شود. [۶]

۵. نظریه های شناختی و کارآمدی شخصی

در نظریه های شناختی انگیزش، بر فرآیندهای تفکر که در انگیزش فرد دخیل هستند، تأکید می شود. مفهوم کارآمدی شخصی به وسیله بندورا (۱۹۶۸) مطرح شد و آن بخش از "خود" را توصیف می کند که به طور مشخص با ارزیابی و برآورد ما از اثربخشی شخصی مان ارتباط دارد. چنین به دست آمده، دانش آموزانی که اثربخشی خود را در تعلیم و تربیت، بالا ارزیابی می کنند یا سطح بالایی از کارآمدی تحصیلی را از خود ظاهر می سازند، در فعالیتهای تحصیلی شان ثبات، تلاش، انگیزش و علایق درونی بیشتری از خود نشان می دهند. کارآمدی شخصی را می توان به دو جزء تقسیم کرد:

الف. قابلیت ها یا مهارت های لازم برای عملکرد موفقیت آمیز

ب. ارزیابی ما از توانایی ها یا کارآمدی شخصی خود در این قابلیت ها و مهارت ها.

ادراک فرد از مهارت های واقعی لازم و توانایی او در زمینه این مهارت ها بسیار ذهنی است. بندورا، در توضیح ماهیت ذهنی بودن این ارزیابی ها، چهار عامل را که بر ارزیابی های ما اثر می گذارد، مطرح ساخت:

۱. عامل فعالیتی یا عملی: اعمال و رفتارهای شخصی افراد تحت اثر این عامل از انسان سر می زند اما امکان دارد این فرضیه صحت نداشته باشد چون پیروزی یا شکست فرد، تابع تفسیر یا اسناد شخصی وی است.

۲. عامل جانشین سازی: این عامل در رابطه با مقایسه هایی است که توسط دیگران انجام می شود. از جماع مهمترین آنها مقایسه دانش آموزان با همسالان و همکلاسی های دیگر است.

۳. عامل تحریکی یا تشویق: در افرادی که تصور می کنند کفایت لازم در انجام برخی مهارت ها را ندارند، تشویق دیگران می تواند به عنوان عامل بسیار مهم و پیش رونده ای باشد.

۴. عامل عاطفی: در انجام یک فعالیت میزان علاقه و اشتیاقی که بروز می کند عامل عاطفی نام دارد. مقدار معینی از برانگیختگی می تواند به موفقیت زیادی منجر شود، اما سطوح برانگیختگی خیلی پایین یا بالا مانند ترس شدید، می تواند به ناتوانی و بی کفایتی فرد در انجام تکلیف خود منجر شود.

۶. نظریه های رفتاری

از دیدگاه کاکس، انگیزه نیرویی سوق دهنده است که در صورت اثر اقدامات و تجربه های مناسب می تواند تغییر یابد. از این رو عقاید و دیدگاه های وی را می توان در راستای تفکر رفتارگرایان قرار داد. کاکس، از انگیزش اولیه و ثانویه و نیز انگیزش مثبت و منفی سخن به میان می آورد. انگیزش اولیه، از نفس عمل یا خود فعالیت ناشی می شود و انگیزش ثانویه نیز به هر نوع گرایش و رغبتی اطلاق می شود، به استثنای آنهایی که مستقیماً با پرداختن به خود فعالیت، ارتباط می یابند. علاوه بر این، کاکس معتقد است که پیچیدگی انگیزه از آن جهت است که منشأ هر دو نوع انگیزش اولیه و ثانویه می تواند مثبت یا منفی باشد. انگیزش تحصیلی به عنوان یکی از انگیزه های درونی با حصول آگاهی از چگونگی تأثیر فرایندهای شناختی - انگیزشی شخص روی فعالیتهایی که برای پیشرفت تحصیلی وی اهمیت دارند، برآورد می شود. انگیزش تحصیلی باهدفهای ویژه، نگرشها و باورهای خاص، روشهای نائل شدن به آنها و تلاش و کوشش فرد در ارتباط است.

عوامل ایجاد انگیزه در دانش آموزان

۱. کلاس و ساختار برنامه درسی

دانش آموزان زمانی که ساختار وجود دارد شکوفا می شوند و زمانی که هرج و مرج وجود دارد مبارزه می کنند. وقتی دانش آموزان احساس می کنند یا می بینند که کلاس ها از یک ساختار پیروی می کنند، و برنامه درسی و مواد کلاس از قبل آماده شده است، احساس امنیت بیشتری برای آنها ایجاد می کند. احساس امنیت یکی از نیازهای اساسی ماست. هنگامی که در یک محیط آموزشی ارائه می شود، به دانش آموزان اجازه می دهد تا به طور کامل بر مواد آموزشی تمرکز کنند. برای کمک به دانش آموزان احساس امنیت بیشتر، مربیان باید کلاس ها و برنامه های درسی را برنامه ریزی کنند. تمام موادی که در کلاس استفاده می شود باید از قبل آماده شوند. مربیان همچنین می توانند اهداف یک درس یا کلاس را در ابتدای یک ترم یا یک کلاس بیان کنند.

۲. رفتار و شخصیت معلم

معلمان، محیط آموزش را فراهم و آموزش را اعمال می کنند. جهت گیری آنها درباره تدریس و یادگیری چارچوبی فراهم می کند که انگیزش کلاسی در آن چارچوب تحقق می یابد. اگر معلمان، فاقد ویژگی های لازم یعنی الگودهی، علاقه مندی، گرمی و هم حسی و انتظارات مثبت باشند، هیچ یک از عناصر یادگیری نمی تواند چندان مفید و مؤثر باشد. رفتار معلم به خودی خود

تأثیر مهمی بر رفتار دانش‌آموزان دارد. اگر معلمان به مطالبی که تدریس می‌کنند، بی‌علاقگی و بی‌ رغبتی نشان دهند، ایجاد انگیزه در شاگردان عملاً غیر ممکن خواهد بود. ذکر عبارت‌هایی نظیر «من می‌دانم این مطلب کسالت‌آور است؛ ولی ما مجبوریم آن را یاد بگیریم» هیچ هدف مفیدی را دنبال نمی‌کند و برای انگیزش هم بسیار مخرب است.

اگر دانش‌آموزی احساسات منفی مانند ترس یا بی‌زاری نسبت به معلم خود داشته باشد، می‌تواند بر نگرش او نسبت به موضوع به طور کلی تأثیر منفی بگذارد. اگر معلمی نسبت به دانش‌آموزان خاصی ارجحیت نشان دهد یا از زبان تحقیرآمیز و تحقیرآمیز استفاده کند، می‌تواند انگیزه آنها را در آموزش کاهش دهد. از سوی دیگر، مهربانی، خوش بینی، بازخورد مثبت و تشویق می‌تواند بر انگیزه دانش‌آموزان برای یادگیری تأثیر مثبت بگذارد. علاقه‌مندی و دلسوزی معلم به صورت الگو، تأثیر بسیار مثبتی در جلب علاقه شاگردان به مطلب دارد. این علاقه‌مندی از طریق رفتارهای کلامی و هم رفتارهای غیر کلامی به شاگردان منتقل می‌شود.

۳. روش های تدریس

اگر مربیان از روش‌های مختلف تدریس استفاده کنند، دانش‌آموزان انگیزه خود را در آموزش حفظ می‌کنند. این باعث ایجاد تنوع می‌شود و از خسته شدن دانش‌آموزان جلوگیری می‌کند. دادن فضا برای انتخاب‌های خاص، از جمله اینکه با کدام شریکی می‌خواهند کار کنند نیز می‌تواند مفید باشد. دانش‌آموزان در یک کلاس احتمالاً سبک‌های یادگیری متفاوتی دارند. بنابراین، معلم به احتمال زیاد این نیازها را با استفاده از روش‌های مختلف تدریس برآورده می‌کند. در برخی موارد، ثبت نام در فعالیت‌های فوق برنامه یا حمایت یک معلم خصوصی می‌تواند به رفع نیازهای دانش‌آموزان کمک کند که در مدرسه برآورده نمی‌شوند. یکی دیگر از جنبه‌های مهم، اطمینان از این است که دانش یا مهارت‌های آموخته شده را می‌توان به طور عملی در زندگی واقعی به کار برد.

۴. عادات و مشارکت والدین

تعداد کمی از عادات والدین می‌تواند به طور غیرمستقیم بر انگیزه کودکان و به ویژه انگیزه درونی تأثیر بگذارد. این شامل:

- نشان دادن علاقه به مطالب آموزشی کودک،
- پرس و جو در مورد روزشان،
- فعالانه گوش دادن،
- کمک به وظایف یا مهارت‌های خاصی که در مدرسه آموزش داده می‌شود،
- شرکت در جلسات والدین،
- تشویق کودکان به انجام تکالیف یا مطالعه برای امتحان.

عادت دیگری که ثابت شده است انگیزه را بهبود می‌بخشد، خواندن است. خواندن برای کودکان کوچک و با آنها به آنها کمک می‌کند تا سریعتر از صحبت کردن، سواد را توسعه دهند. با این حال، سطح درک مطلب می‌تواند موفقیت دانش‌آموزان را در سال‌های بعد مدرسه تعیین کند.

۵. مسائل خانوادگی و بی ثباتی

همانطور که فقدان امنیت در کلاس درس، فقدان امنیت در خانه می تواند تأثیر منفی بر انگیزه در آموزش داشته باشد. دانش آموزانی که با هر دو والدین زندگی می کنند، به طور متوسط نمرات بهتری نسبت به کودکانی که زندگی نمی کنند، دریافت می کنند. درگیری ها و اختلالات خانوادگی می تواند منجر به عملکرد تحصیلی ضعیف تر شود. برخی از نمونه ها عبارتند از:

- طلاق،
- از دست دادن یک یا هر دو والدین،
- زندگی نکردن با پدر یا مادر بیولوژیکی،
- عدم تماس با پدر یا مادر بیولوژیکی،
- جابجایی مکرر از یک خانه به خانه دیگر،
- بودن یا درگیر بودن با خدمات حفاظت از کودکان.

در نتیجه، در مواردی خاص، ممکن است برای کمک به دانش آموزان در حل مسائلشان، به حمایت بیشتری از سوی مدارس نیاز باشد.

۶. روابط همسالان

همانطور که کودکان بزرگتر می شوند، تأثیر همسالان بر آنها نیز افزایش می یابد. بنابراین، مشکلات و درگیری با همسالان می تواند باعث شود دانش آموزان نسبت به موقعیت اجتماعی خود در بین همسالان احساس امنیت کمتری داشته باشند، سطح استرس آنها را افزایش دهد و انگیزه تحصیلی آنها را کاهش دهد. زیر نظر گرفتن هرگونه درگیری، قلدری و سایر مسائل همسالان می تواند از مشکلات جدی جلوگیری کند.

۷. محیط یادگیری

محیط مدرسه یا جو مدرسه یکی دیگر از عوامل موثر بر انگیزه در آموزش است. جو مدرسه به هنجارها و مقررات مختلفی اطلاق می شود که جو کلی مدرسه را تعیین می کند. محیط مثبت مدرسه باعث می شود دانش آموزان احساس امنیت و آرامش کنند، نیازهای اولیه آنها مانند وعده های غذایی روزانه را برآورده کند و محیطی بهینه برای ایجاد روابط اجتماعی سالم برای آنها فراهم کند. کلاس های زیاد و محیط یادگیری بسیار جدی نیز می تواند انگیزه در آموزش را کاهش دهد. افزودن یک عنصر سرگرم کننده به کلاس ها می تواند به آرامش جو و بهبود انگیزه و نتایج کمک کند. دادن زمان کافی برای بازی و استراحت نیز می تواند تأثیر مثبتی داشته باشد.

۸. ارزیابی

در حالی که ارزیابی استاندارد استانداردهای دستیابی را افزایش می دهد، می تواند بر انگیزه دانش آموزان در آموزش، به ویژه در سنین پایین تر تأثیر منفی بگذارد. عکس این موضوع را می توان در کشورهایی مانند فنلاند مشاهده کرد که در آن کودکان دبستانی هیچ آزمونی دریافت نمی کنند. علیرغم فقدان ارزیابی، کودکان فنلاندی دستاوردهای تحصیلی بالاتری دارند. همچنین در صورتی که آزمون ها به طور مداوم بیش از حد چالش برانگیز باشند، برای دانش آموزان معمول است که انگیزه خود را از دست بدهند. این حس موفقیت را ایجاد نمی کند و انگیزه را در آموزش به مرور زمان کاهش می دهد. بنابراین، برای مربیان مهم است که روش های مختلف آزمون را آزمایش کرده و به کار ببرند که بتواند نیازهای یادگیری متفاوت دانش آموزان را برطرف کند.

عوامل موثر بر افزایش انگیزه درونی

چالش:

وقتی یک هدف شخصی را دنبال می کنید که امکان دستیابی به آن وجود دارد اما لزوماً قطعی نیست، انگیزه ی بیشتری پیدا می کنید. زمانی که دیگران شما را قضاوت می کنند، ممکن است این اهداف با عزت نفس شما ارتباط پیدا کنند.

کنجکاوی حسی:

زمانی که چیزی در محیط بیرونی توجه شما را به خود جلب می کند، شاهد افزایش انگیزه درونی هستیم.

کنجکاوی شناختی:

زمانی که بخشی از فعالیت سبب تحریک حس کنجکاوی بشود نیز شاهد افزایش انگیزه درونی خواهیم بود.

کنترل:

همه دوست دارند بتوانند خود، محیط اطراف و اهداف آینده شان را کنترل کنند.

همکاری و رقابت:

زمانی که فرصت کمک به دیگران را پیدا می کنید یا اینکه می دانید عملکرد شما در میدان رقابت با دیگران قرار می گیرد، شاهد افزایش انگیزه درونی خواهید بود.

شناخته شدن:

وقتی دستاوردهایتان توسط دیگران تحسین می شوند، انگیزه درونی شما افزایش پیدا می کند. [۸]

انگیزش تحصیلی به عنوان یکی از انگیزه های درونی با حصول آگاهی از چگونگی تأثیر فرایندهای شناختی - انگیزشی شخص روی فعالیتهایی که برای پیشرفت تحصیلی وی اهمیت دارند، برآورد می شود. انگیزش تحصیلی باهدفهای ویژه، نگرشها و باورهای خاص، روشهای نائل شدن به آنها و تلاش و کوشش فرد در ارتباط است.

تشویق و نقش آن در ایجاد انگیزه یادگیری

تشویق یکی از ابزارهای مهم تعلیم و تربیت است که تأثیر شگرفی بر روابط میان انسانها، اصلاح رفتار و انگیزه آنها دارد. این ابزار نیز همانند تمامی روشها و فنون تربیتی، آن گونه از حساسیت خاصی برخوردار است که کاربرد به جای آن آثار مثبت و سازنده و کاربرد نابجای آن سبب بوجود آمدن رفتارهای منفی و مخرب مانند افسردگی، ناکامی، بی تفاوتی، تعارض و احیاناً پرخاشگری در میان معلمان و دانش آموزان می شود. از این مهم تر، کاربرد نابه جای تشویق و تنبیه، نگرش دانش آموز را نسبت به معلم و مدیر و مدرسه به نگرشی منفی سوق می دهد که تنفر، بیزاری، فرار از مدرسه و نظایر آن را موجب می شود. [۹] از نظر لغوی کلمه تشویق از واژه شوق و علاقه گرفته شده و به باب تفعیل (تشویق) شده است و از نظر اصطلاحی تشویق، بر ایجاد رغبت و علاقه به انجام یک کار در فراگیران گفته می شود. از مهمترین مراحل یادگیری دانش آموزان می توان تشویق را نام برد. با تشویق دانش آموزان، فرصتی پیش می آید تا او به توانمندی ها و ارزش های درونی خود پی برده و در نهایت مفهوم مثبتی از عملکرد و فعالیت خود در تصورش ایجاد کند. اگر انگیزه یادگیری و پیشرفت و ترقی در دانش آموزان ایجاد شده باشد، آن ها خود به خود راه مواجهه با موانع را فرا خواهند گرفت، به شرط آن که مقتضیات رشد فراهم شده باشد. آزمایش هایی که در مورد دانش آموزان با انگیزه و بدون انگیزه با وجود داشتن هوش بالا انجام گرفته است نشان می دهد که دانش آموزان با انگیزه پیشرفت نسبت به دانش آموزانی که فاقد انگیزه هستند، موفقیت بیشتری دارند.

انگیزه درونی به جای انگیزه بیرونی

صاحب نظران این حوزه بر این نکته تأکید دارند که برای انجام دادن یا ترک رفتاری، باید انگیزه های درونی فرد تغییر و اصلاح شود. چون انگیزه های درونی، محرک های اصلی انجام رفتار هستند و رفتارهایی که متکی به انگیزه های بیرونی هستند، ممکن است با عدم تکرار و قطع انگیزه های بیرونی، رفتار تکرار نشود، ولی انگیزه های درونی نهادینه شده و چون رضایت و خرسندی درونی فرد را به دنبال دارد، پایدارتر است و فرد با تلاش و پشتکار بیشتر برای کسب اهداف خود گام برمی دارد. [۱۰] پژوهش ها نشان داده اند که محیط کنترل کننده، علاقه فرد به کار را کاهش می دهد. یعنی خاصیت انگیزه کشی کنترل می تواند چنان زهر، نگرش به فعالیتهای جدید را نیز مسموم کند. معیارهای کنترل کننده فرد را از کنکاش در مورد موضوعات با ارزش دور می سازد. ارزشیابی ها، اهداف و پاداش هایی که منشأ بیرونی دارند به سبکی از آموزش و یادگیری منجر می شوند که درست نقطه مقابل یادگیری کیفی یعنی یادگیری ماندگار، عمیق و یکپارچه در مدارس است. [۱۱]

راهکارهای ایجاد انگیزش در دانش آموزان

آنچه در انگیزه مهم است میزان آن نیست بلکه منشأ و ماهیت آن است. انگیزه بیرونی هر قدر هم زیاد باشد، می تواند در عمل مانعی برای موفقیت باشد. هدف باید پرورش دانش آموزانی باشد که مشتاق کسب موفقیت در مدرسه باشند و همچنین کنجکاو و علاقه مند به دانستن به گونه ای که یادگیری به هیجانشان آورد و خارج از مدرسه نیز در پی فرصتی برای دنبال کردن علایق خود باشند.

مشکل کمبود انگیزش یادگیری دانش آموزان، با کمبود علاقه آنان به یادگیری موضوع های تازه ناشی از شکست های پی در پی قبلی در درس های مشابه درس جدید است. بنابراین، مهم ترین راه رفع مشکل این است که سطح رفتارهای ورودی شناختی دانش آموزان را بالا ببریم و کیفیت آموزش را نیز بهبود بخشیم. این اقدام ها سبب افزایش یادگیری و کسب کامیابی از سوی دانش آموز در درس های تازه خواهد شد. این کامیابی موجب می شود که یاد گیرنده به تدریج به تصویری مثبت تر از توانایی های خود درباره یادگیری آموزشگاهی دست یابد. اگر این جریان در چند واحد یادگیری ادامه یابد، از تصورات منفی دانش آموز درباره توانایی اش در زمینه یادگیری مطالب آموزشگاهی کاسته می شود و به جای آن تصورات مثبت تری از این مورد کسب خواهد کرد که این خود علاقه و انگیزه یادگیری او را افزایش می دهد.

به دانش آموزان کمک شود تا نیازهای کمبود خود را برطرف کنند.

به دانش آموزان کمک شود تا علاقه به پاسخ گویی به نیازهای وجود را در خود ایجاد کنند. (ابراز وجود کند)

احساس کامیابی در دانش آموزان ارتقا یابد.

در آغاز درس دانش آموزان از اهداف آموزشی آگاه شوند.

در موقعیت های مقتضی از تشویق های کلامی استفاده شود.

از آزمون ها و نمره ها به صورت وسیله ای برای ایجاد انگیزش در یادگیرندگان استفاده شود.

از خاصیت برانگیختگی مطالب استفاده شود.

از ایجاد رقابت و هم چشمی میان دانش آموزان جلوگیری شود.

هنگام آموزش مطالب تازه از مثال های آشنا و هنگام کاربرد مطالب آموخته شده از موقعیت های تازه استفاده شود.

افزون بر توضیح و تشریح مطالب به صورت کلامی، تا آنجا که ممکن است از روش های دیگر آموزشی نیز استفاده شود.

دانش آموزان به مشارکت در یادگیری تشویق شوند.

پیامدهای منفی مشارکت یادگیرندگان در فعالیت یادگیری کاهش داده شود.

همواره دانش آموزان از روند یادگیری خود آگاه شوند.

به دانش آموزان مسائل و تکالیفی ارائه شود که نه خیلی ساده و نه خیلی دشوار باشد.

مطالب درسی تا آنجا که ممکن است به صورت معنادار ارائه شود.

تکالیف و سؤالاتی به دانش آموزان داده شود که آنها را به تفکر وادارد تا اینکه درس ها را طوطی وار حفظ نکنند. [۵]

ویژگی دانش آموزان با انگیزه

دانش آموزان با انگیزه به درس توجه کامل دارند؛ زیرا به آنچه گفته می شود، علاقه مندند؛ انگیزه درونی دارند و فرایند یادگیری را خوشایند می یابند. فراوان می پرسند؛ در بحث های کلاسی شرکت دارند؛ یادگیرندگان خود تنظیمی هستند و تکالیف تعیین شده را با دقت و به موقع انجام می دهند و می دانند که مسئولیت اصلی یادگیری برعهده خودشان است. برای تلاش ارزش قائلند. مسائل را به خوبی حل می کنند و می دانند چگونه از منابع استفاده کنند. معلم را و می دارند که برای پاسخ گویی به پرسش های آنها به منابع اضافی مراجعه کند و اطلاعات خود را افزایش دهد. نمره های خوبی می گیرند؛ اما این نمره ها را مختصر اطلاعی از کیفیت یادگیری می دانند، نه ملاک تلاش و توان خود. عموماً ارزش های خانواده و مدرسه خویش را درباره یادگیری می پذیرند. گاهی نگران می شوند و در مورد برخی امتحانات دلشوره دارند. افت در یادگیری خویش را آگاهی از وضع خود تلقی می کنند، نه شکست در یادگیری

نتیجه گیری

انگیزه از جمله عواملی است که می تواند در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان، نقشی مؤثری داشته باشد. بر طبق نظریه دسی و رایان رفتار های بر مبنای انگیزش درونی صرف نظر از نتایج فعالیت، با کسب لذت و ارضای خاطر از آن انجام می شود؛ اما در مقابل رفتارهایی با انگیزش درونی، رفتارهایی با انگیزش بیرونی نیز وجود دارد که برای کسب یک هدف ابزاری مانند کسب پاداش یا اجتناب از تنبیه، انجام داده می شود. بدین معنا که فعالیت نه به خاطر خود آن، بلکه برای رسیدن به یک نتیجه انجام داده می شود. اگر رفتار دانش آموز و انگیزه پیشرفت او را از طریق مشوق های بیرونی مانند جایزه و کارت های آفرین مکرر، تحسین های لفظی متعدد و سایر عوامل بیرونی شرطی کنیم، آزادی و رشد طبیعی را از او سلب و رفتار وی را با ضوابط و معیارهای از پیش تعیین شده قالب سازی کرده ایم. این پاداش دهی مانع شوق یابی درونی می شود و این گونه وابسته سازی مانع تولید انگیزه های درونی می گردد.

انگیزه های درونی به عنوان دسته مهمی از انواع انگیزش، به آن دسته از انگیزه ها گفته می شود که منبع و کانون آنها در درون فرد و نه محیط خارج وجود دارد. پاداشهایی که فرد در قبال نیروزایی این انگیزه ها دریافت می کند پاداشهایی درونی هستند، که لزوماً پاداشهایی ملموس نخواهند بود. انگیزش بیرونی زمانی به وجود می آید که فرد توسط یک پیامد یا نتیجه بیرونی، یا نتیجه ای که به نوعی به فعالیت او مرتبط می شود، برانگیخته شده باشد. انگیزش بیرونی باعث می شود که فرد برای رسیدن به یک هدف خاص، به انجام فعالیتهایی مبادرت کند. بی انگیزگی نیز فقدان تمایل و اشتیاق در پیگیری یک فعالیت است به خاطر شکست در اثبات اینکه بین رفتار و فعالیت ارتباط وجود دارد.

صاحب نظران تعلیم و تربیت برای ایجاد انگیزه در دانش آموزان اهمیت فراوانی قائل هستند، به طوری که عده ای آن را رمز یادگیری دانسته اند و بخش عمده ای از فرآیند یادگیری را در چگونه برانگیختن می دانند. اگر انگیزه یادگیری و پیشرفت و ترقی در دانش آموزان ایجاد شده باشد، آن ها خود به خود راه مواجهه با موانع را فرا خواهند گرفت، به شرط آن که مقتضیات رشد فراهم شده باشد. آزمایش هایی که در مورد دانش آموزان با انگیزه و بدون انگیزه با وجود داشتن هوش بالا انجام گرفته است نشان می دهد که دانش آموزان با انگیزه پیشرفت نسبت به دانش آموزانی که فاقد انگیزه هستند، موفقیت بیشتری دارند.

منابع

۱. خسروی، فاطمه؛ اثربخشی آموزش مهارت های مثبت اندیشی با تاکید بر آموزه های دینی بر انگیزش پیشرفت و خودکارآمدی در دانش آموزان دختر مقطع دوره اول متوسطه، مجله جامعه شناسی آموزش و پرورش، شماره ۱۲، ۱۳۹۸، ۸۹ - ۱۰۱
۲. منصوری، سیروس؛ خدایی، طاهره؛ تاثیر آموزش با استفاده از چند رسانه ای بر علاقه به درس و عملکرد تحصیلی درس علوم تجربی دانش آموزان پایه پنجم ابتدایی، دو فصلنامه توسعه برنامه درسی، ۱ (۱)، ۱۴۰۱
۳. آتش روز، ب.، پاکدامن، ش.، عسکری، ع؛ پیش بینی پیشرفت تحصیلی از طریق میزان دلبستگی. فصلنامه خانواده پژوهی ۴ (۱۴)، ۱۳۸۷، ۲۰۳ - ۱۹۳
۴. میکوچی، جوزف؛ نوجوان و خانواده درمانی. ترجمه مهشید یاسایی. تهران: انتشارات ققنوس، ۱۳۸۳
۵. سیف، علی اکبر؛ (۱۳۸۷)، روانشناسی پرورشی نوین؛ روانشناسی یادگیری و آموزش. تهران: نشر دوران
۶. برزکار، ابراهیم؛ انواع انگیزش و نظریه های انگیزش، ۱۳۹۴، <http://ebarzkar.blogfa.com/tag>
۷. قائمی طلب، فرشته؛ (۱۳۹۶)، نظریه های انگیزش و کاربرد آن ها در نحوه یادگیری دانش آموزان، <http://behinegi.com>
۸. ناصری، علیرضا؛ نگاهی به مفهوم انگیزه درونی و عوامل موثر بر آن، ۱۳۹۶، <https://www.chetor.com/80959>
۹. زمانی، داوود؛ (۱۳۹۱)، اهمیت تشویق و تنبیه در محیط آموزشی، <http://zamani2012.blogfa.com/post/35>
۱۰. مسعودی راد، امیرحسین؛ بهنام، رسول؛ مسعودی راد، مانده؛ (۱۴۰۰)، بررسی نقش تشویق و تنبیه به عنوان دو مولفه تربیتی، مجله نخبگان علوم و مهندسی، جلد ۶، شماره ۴، ۶۴ - ۵۶
۱۱. کریمی، عادل؛ (۱۳۹۱)، آسیب شناسی تربیت پاداش گرا، <https://adelehkarimi.blogspot.com/1391/08/25/post-69/>